

[A Persian translation of the message of the Universal House of Justice
dated 18 January 2019 to the Bahá'ís of the World]

ترجمه‌ای از

پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان

(هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی)

۱۸ ژانویه ۲۰۱۹

دوستان عزیز و محبوب،

نیم قرن پس از آنکه حضرت بهاء‌الله سلاطین و زمامداران عالم را به مصالحه و آشتی فراخواندند و آنان را مأمور تأسیس صلح عمومی نمودند، قدرت‌های بزرگ آن زمان به ورطه جنگ کشیده شدند. این اولین منازعه‌ای بود که به عنوان "جنگ جهانی" شناخته شد، جنگی عالم‌سوز با خشونت‌های مهیب، که میزان شقاوت و خونریزی بی‌سابقه آن داغی سوزناک بر ضمیر هر یک از نسل‌های بعد بر جای گذاشته است. با این حال، در پی این ویرانی و رنج، امکاناتی برای برقراری نظم جدید جهت ایجاد ثبات در عالم شکوفا شد به ویژه در جریان کنفرانس صلح پاریس که صد سال پیش در چنین روزی آغاز گردید. طی سال‌های بعد و علیرغم بحران‌های مکرری که امور بین‌المللی را دربرگرفت حضرت شوقی افندی فرمودند "می‌توان پیشرفت قوایی را، هرچند نامنظم، مشاهده نمود که با روح عصر هماهنگی دارد." (ترجمه) این نیروها مستمراً بشریت را به سوی عصر صلح و آرامش سوق می‌دهد — نه فقط صلحی که منحصراً درگیری مسلحانه را پایان می‌دهد، بلکه آن حیات جمعی که وحدت و یگانگی را به منصفه ظهور می‌رساند — ولی البته برای حصول به این صلح سفری طولانی و پر نشیب و فراز در پیش است. مقتضی دانستیم که در این برهه از زمان در مورد پیشرفت‌هایی که در این مسیر حاصل شده، چالش‌های کنونی در راه صلح، و کمکی که پیروان حضرت بهاء‌الله به انجام آن دعوت شده‌اند به تأمل پردازیم.

در طی صد سال گذشته، حدّ اقل در سه فرصت تاریخی چنین به نظر می‌رسید که نوع بشر در حال دستیابی به صلحی واقعی و پایدار بود، گرچه هر دفعه به واسطه کاستی‌هایی که نتوانست بر آنها فائق آید از وصول به آن بازماند. اولین فرصت که به دنبال کنفرانس پاریس پیش آمد تأسیس "جامعه ملل" بود، نهادی که بنیانگذارانش آن را به منظور حفظ صلح در سطح بین‌المللی تأسیس نمودند. این نهاد وسیله‌ای بود که توسط آن برای اولین بار در تاریخ، نظام امنیتی جمعی که حضرت بهاء‌الله زمامداران عالم را به برقراری آن مکلف فرموده بودند "پیش‌بینی" و "با جدّیت مطرح شده و مورد بحث و آزمایش" (ترجمه) قرار گرفت. اما در نهایت موافقت‌نامه صلح که به جنگ پایان داد اساساً معیوب و نارسا بود و جامعه ملل نتوانست از وقوع جنگ جهانی دوم جلوگیری نماید، جنگی که بنا به شهادت مورّخین مرگ‌بارترین منازعه در تاریخ جامعه بشری بوده است. همانطور که اولین گام به سوی صلح به

دنبال دورانی از نبرد و منازعه هولناک برداشته شد، گام دوم نیز همان مسیر را پیمود، از خاکستر جامعه ملل، نه تنها "سازمان ملل متحد" تشکّل یافت بلکه سیستمی از مؤسّسات اقتصادی بین‌المللی به وجود آمد و پیشرفت‌های تاریخی مهمّی در زمینه حقوق بشر و قوانین بین‌المللی حاصل شد. بسیاری از ممالک مستعمره یکی پس از دیگری به استقلال رسیدند و همکاری منطقه‌ای به نحو قابل توجّهی عمیق‌تر و گسترده‌تر شد. اما از جمله خصوصیات دهه‌های بعد از جنگ وجود جوّی از تهدید و ارباب و غالباً خصومت آشکار بین دو مجموعه قدرت جهانی بود. آن جوّ که به جنگ سرد از آن یاد می‌شد در مناطق مختلف جهان به جنگ‌های واقعی تبدیل شد و بشریت را به نحو خطرناکی به یک درگیری با استفاده از سلاح‌های اتمی نزدیک نمود. پایان صلح‌آمیز این دوران در اواخر قرن بیستم فرصتی برای آرامش بود و صراحتاً به اعلان نیاز به تأسیس یک نظم جدید جهانی منجر شد. این سوّمین فرصتی بود که دسترسی به صلح عمومی امکان‌پذیر به نظر می‌رسید. با برگزاری یک سلسله کنفرانس‌های جهانی توسط سازمان ملل متحد در باره مسائلی مهم برای آینده بشریت، تلاش برای ایجاد سیستم‌های جدید همکاری بین‌المللی و تقویت سیستم‌های موجود شتابی عظیم گرفت. امکانات جدیدی برای توافق نظر پدید آمد و روحیه همکاری که محرک پیشرفت بود در اختیاراتی که به بعضی مؤسّسات بین‌المللی مأمور به اجرای عدالت محوّل شده بود نیز دیده می‌شد. این فرایند هدفمند و سنجیده، در پایان آن قرن با تشکیل "اجلاس هزاره"، مجمعی از نمایندگان بیش از هزار سازمان جامعه مدنی از بیش از صد کشور جهان، و به دنبال آن در "مجمع سران به مناسبت هزاره"، که در نوع خود گردهمایی بی‌نظیری از رهبران جهان بود به اوج خود رسید و منتهی به توافق بر سر یک سلسله اهدافی گشت که نمایانگر خواست‌های مشترک بشریت بود. "اهداف توسعه هزاره"، زمینه توافق برای اقدام جمعی در سال‌های بعد گردید. این پیشرفت‌های مختلف — با وجود محدودیت‌ها و نواقص فراوان و منازعات هولناکی که باز در این دوره بروز می‌نمود — نشانه‌هایی از گسترش تدریجی و تزلزل‌ناپذیر آگاهی ساکنین کره ارض و گرایش آنان به عدالت عمومی، به همبستگی و همکاری، و به شفقت و تساوی است.

با آغاز قرن حاضر چالش‌های جدیدی پدیدار شد که با گذشت زمان شدت یافت و منجر به عقب‌نشینی از گام‌های نویدبخش پایان قرن گذشته گردید. امروز بسیاری از جریانات غالب در اجتماع، در همه جا، مردم را به جای آنکه به سوی همبستگی بکشاند از هم دور می‌سازد. اگرچه فقر مفرط در سطح جهانی کاهش یافته است ولی نظام‌های سیاسی و اقتصادی جمع بسیار محدودی را قادر ساخته که ثروت کلان و نامعقولی بدست آورند، شرایطی که بی‌ثباتی بنیادین در امور جهان را تشدید می‌نماید. تعاملات بین شهروندان، نهادهای حکومتی و اجتماع اغلب دستخوش پریشانی است چون هر کدام برای برتری بردیگری در افکار خود اصرار ورزیده، انعطاف‌ناپذیری نشان می‌دهند. بنیادگرایی مذهبی ماهیت جوامع و حتی ملل را منحرف می‌نماید. قابل درک است که مشکلات بسیاری از سازمان‌ها و مؤسّسات اجتماعی طبیعتاً منجر به کاهش اعتماد عمومی شده است ولی این وضع به نحوی سیستماتیک مورد سوء استفاده کسانی قرار گرفته که برای حفظ منافع خود در صدد بی‌اعتبارسازی همه منابع علم و دانش بشر می‌باشند. بعضی از اصول اخلاقی مشترک که در آغاز این قرن غالب به نظر می‌رسید در حال فرسایش است و توافق نظر رایج در مورد صواب و خطا را که در زمینه‌های مختلف موفق به

مهار کردن پست‌ترین تمایلات بشری شده بود، مورد تهدید قرار داده است. همچنین ارادهٔ مبادرت به اقدامات جمعی بین‌المللی که بیست سال پیش شدیداً نمایانگر رشته‌ای از تفکرات رهبران جهان بود با طغیان مجدد نیروهای نژادپرستی، ملیت‌گرایی و جناح‌گرایی مورد حمله قرار گرفته و مرعوب گشته است.

بدین ترتیب است که نیروهای مخرب مجدداً متشکل گشته نفوذ می‌یابند. وحدت عالم انسانی را هیچ نیروی بشری قادر به توقف نیست، وعود پیامبران پیشین و شارع این امر الهی شاهد این حقیقت است. اما مسیری که عالم انسانی برای نیل به سرنوشت خود در پیش می‌گیرد ممکن است بسیار پریچ و خم باشد. آشوبی که از سوی مردمان ستیزه‌جوی عالم برپا گشته می‌تواند ندای نفوس خیراندیشی را که در هر اجتماع خواهان پایان اختلاف و منازعه هستند تحت الشعاع قرار دهد. مادام که این ندا بی‌توجه ماند، اختلال و سردرگمی عالم بی‌تردید وخیم‌تر خواهد شد — شاید با پیامدهایی مصیبت‌بار — تا آنکه بشریت متنبه شده و تشخیص دهد که باید قدم مهم دیگری به سوی صلح پایدار بردارد، باشد که این بار آن قدم قاطعانه واقع گردد.

*

صلح جهانی سرمنزلی است که عالم انسانی طی قرون و اعصار تحت تأثیر کلمهٔ الهی که از سوی خالق متعال مستمراً به خلقتش اعطا گردیده به سوی آن در حرکت بوده است. حضرت شوقی افندی پیشروی بشریت به سوی یک مرحلهٔ جهانی جدید در حیات جمعی را به عنوان سیر تکامل اجتماعی توصیف فرموده‌اند "تکاملی که مراحل اولیه‌اش با تولد حیات خانواده شروع شد و متعاقباً به اتحاد قبیله و بعد به تأسیس دولت شهری و سپس به نظام حکومت کشورهای مستقل ارتقا جست." (ترجمه) اکنون با ظهور حضرت بهاء‌الله، نوع بشر در آستانهٔ بلوغ قرار دارد. وحدت عالم سرانجام امکان‌پذیر گردیده است. نظامی جهانی که با توافق نوع بشر ملل عالم را متحد سازد تنها پاسخ کافی و وافی به قوای بی‌ثبات‌کننده‌ای است که جهان را تهدید می‌نماید.

هرچند اتحاد جهانی امکان‌پذیر و بلکه اجتناب‌ناپذیر می‌باشد ولی در نهایت نمی‌تواند بدون پذیرش بی‌قید و شرط وحدت عالم انسانی که به توصیف حضرت ولیّ محبوب امرالله "محور جمیع تعالیم حضرت بهاء‌الله" (ترجمه) است تحقق یابد. برآستی با چه بینش و فصاحتی آن حضرت مفاهیم فراگیر این اصل مهم را تشریح نموده‌اند. در میان آشفتگی امور جهان، به وضوح مشاهده فرمودند که سرآغاز نظم جدید همانا درک واقعیت یگانگی نوع بشر است. روابط گوناگون بین ملل و در درون ملل، همه باید در پرتو این اصل مورد بازنگری قرار گیرد.

تحقق چنین دیدگاهی دیر یا زود مستلزم یک اقدام برجستهٔ تاریخی از جانب رهبران جهان در امور زمامداری است. افسوس که ارادهٔ چنین اقدامی هنوز موجود نیست. بشریت در چنگ یک بحران هویت گرفتار است و مردمان و گروه‌های متعدد در تعریف هویت خود و جایگاه‌شان و نحوهٔ عمل خویش در کشمکش می‌باشند و بدون دیدگاهی در بارهٔ یک هویت مشترک و مقصدی همگانی، در دام رقابت ایدیولوژی‌ها و منازعات برای کسب قدرت گرفتار می‌گردند. تعبیرات به ظاهر بی‌شماری از "ما" و "آنان" هویت گروه‌ها را بیش از پیش محدود و در

تضاد با یکدیگر تعریف می‌کند. این گونه تقسیم‌بندی گروه‌ها با علایق ناهمگون به مرور زمان انسجام اجتماع را به تحلیل برده است. مفاهیم رقابت‌آمیز در مورد برتری یک گروه خاص، مانع از شناخت این حقیقت می‌گردد که بشریت در مسیر مشترکی پیش می‌رود که در آن همه همکاری کنند. ملاحظه نمایید که بین چنین مفهوم از هم‌گسیخته‌ای از هویت انسانی و اصل وحدت عالم انسانی چه تفاوتی اساسی وجود دارد. در این چشم‌انداز، کثرت که از خصوصیات خانواده بشری است بدون آنکه یگانگی آن را نفی نماید موجب غنای آن می‌گردد. وحدت از نظر آیین بهائی در بردارنده مفهوم لازمه تنوع و کثرت است که آن را از هم‌شکلی و یک‌نواختی متمایز می‌سازد. با محبت نسبت به همه مردمان و با ترجیح دادن مصالح عمومی بر وفاداری‌های محدودتر است که وحدت عالم انسانی و جلوه‌های بیشمار تنوع نوع بشر به بهترین وجهی تحقق می‌پذیرد.

ترویج وحدت از طریق تلفیق و هماهنگ نمودن عناصر متفاوت و القای محبت خالصانه در قلوب نسبت به نوع بشر وظیفه دین است. امکانات فراوانی برای ایجاد الفت و وفاق به روی رهبران مذهبی عالم باز است ولی همین رهبران نیز می‌توانند با استفاده از نفوذشان سبب برانگیختن خشونت و برافروختن آتش افراط‌گری و تعصب گردند. در مورد دین، بیانات حضرت بهاء‌الله اندازی قاطعانه است: "آن را علت اختلاف و نفاق مکنید." ایضاً می‌فرمایند که صلح برای "راحت من فی البلاد از اصول و احکام الهی" است.

دیدن مشقّاتی که بسیاری از مردمان در اثر عدم اتحاد متحمل می‌شوند قلبی که مملوّ از محبت نوع انسان باشد را قطعاً بسیار به درد خواهد آورد. ولکن احبّای الهی نمی‌توانند خود را از آشوب‌های روزافزون اجتماعی که آنان را احاطه نموده دور نگهدارند و در عین حال باید مواظب باشند تا مبدا درگیر اختلافات رایج در اجتماع گردند و یا در ورطه روش‌های خصومت‌آمیز آن افتند. گرچه ممکن است در زمانی شرایط جان‌فرسا به نظر آید و یا چشم‌انداز نزدیک برای ایجاد وحدت تاریک باشد ولی دلیلی برای ناامیدی نیست. وضع پریشان دنیا فقط باید باعث افزایش تعهد ما در پیگیری مجهودات سازنده گردد. حضرت بهاء‌الله انداز می‌فرمایند: "مردمان را بیماری فراگرفته بکشید تا آنها را به آن درمان که ساخته دست توانای پزشک یزدان است رهایی دهید."

*

برقراری صلح وظیفه‌ای است که همه نوع بشر به انجام آن فراخوانده شده‌اند. مسئولیت بهائیان برای کمک به این فرایند در طی زمان تکامل خواهد یافت ولی آنان هرگز صرفاً تماشاگر نبوده‌اند و سهم خود را در یاری به عملکرد نیروهایی که بشریت را به سوی وحدت سوق می‌دهد ایفا نموده و می‌نمایند. اهل بهاء مأمورند که بمثابه مایه عالم باشند. به بیانات حضرت بهاء‌الله توجه کنید که می‌فرمایند:

در جمیع احوال به آنچه سبب آسایش خلق است مشغول باشید همّت را در تربیت اهل عالم مصروف دارید که شاید نفاق و اختلاف از مابین امم به اسم اعظم محو شود و کل اهل یک بساط و یک مدینه مشاهده شوند.

حضرت عبدالبهاء نیز در مورد اهمیّت مشارکت در برقراری صلح جهانی که بهائیان به آن مأمورند چنین تأکید می‌فرمایند:

... اوّل باید صلح و سلام بین افراد انسانی تأسیس شود تا منتهی به صلح عمومی گردد پس تا توانید ای بهائیان بین افراد نفوس محبّت حقیقی و الفت روحانی و ارتباط محکم به قوّه کلمه الله اندازید اینست تکلیف شما.

بیانیه "وعدّه صلح جهانی" صادره از طرف این جمع در سال ۱۹۸۵ خطاب به مردم جهان، دیدگاه آیین بهائی نسبت به اوضاع عالم و شرایط صلح عمومی را ارائه داد. همچنین جامعه جهانی بهائی را به عنوان الگویی که قادر به تقویت امید در تحقق وحدت نوع بشر است، برای مطالعه عرضه نمود. طیّ سال‌های بعد، پیروان حضرت بهاءالله صبورانه به تلطیف این الگو مشغول بوده و با اطرافیان خود در بنا و توسعه یک نظم جدید اجتماعی بر اساس تعالیم آن حضرت همکاری نموده‌اند. آنان به این یادگیری مشغولند که چگونه جوامعی را پرورش دهند که نمایانگر آن پیش شرط‌هایی برای صلح باشد که در سال ۱۹۸۵ مشخص نمودیم. آنان محیط‌هایی فراهم می‌آورند که در آن کودکان بتوانند مبراً از هر نوع تعصّب نژادی، ملی و مذهبی پرورش یابند. مدافع تساوی کامل زن و مرد در امور جامعه‌اند. برنامه‌های آموزشی آنان به منظور تقلیب مادی و معنوی امور زندگی است و هر فردی را که مایل به مشارکت در تأمین رفاه جامعه باشد، مشتاقانه می‌پذیرد. از طلیعه اقدام اجتماعی اشتیاق آنان را می‌توان مشاهده کرد که شائق به علاج دردهای متعددی که بشریت را مبتلا نموده می‌باشند و مایلند هر فردی آنچنان توانمند شود که شخصی عامل در بنای دنیایی جدید گردد. با الهام از مفهوم مشرق‌الاذکار پیروان تمام ادیان و دیگران را به جلسات دعا و مناجات خود دعوت می‌نمایند. جوانان که به تعهد به بنای اجتماع بر مبنای صلح و عدالت متمایزند، با دوستان هم‌فکرشان در راه ساختن چنین جوامعی همکاری می‌کنند. نهاد محفل روحانی محلی حائز اختیارات روحانی و قابلیت‌های اداری است تا در نهایت عبودیت، به اداره امور و رفع اختلافات و ایجاد وحدت پردازد. فرایند انتخاب و تشکیل این محافل روحانی خود تصویری از صلح است و با تندخویی و حتی خشونت‌هایی که معمولاً انتخابات اجتماع را همراهی می‌کند در تضاد کامل می‌باشد. نکته نهفته در این ابعاد جامعه‌ای باز و در حال توسعه، قبول بلاشرط این حقیقت است که تمام افراد بشر فرزندان یک خالق متعالند.

احباً همچنین قابلیت خود را پرورش می‌دهند تا بتوانند اطرافیان خود را صرف نظر از آیین، فرهنگ، طبقه و یا قومیت، به مشارکت در گفتگو در باره چگونگی ایجاد رفاه مادی و معنوی از طریق به کار بردن سیستماتیک تعالیم الهی دعوت نمایند. یکی از نتایج خوشنودکننده این قابلیت فزاینده، افزایش توانایی جامعه برای مشارکت هدفمند در گفتمان‌های متعدد و مهم رایج در اجتماع است. در برخی کشورها رهبران و متفکرانی که درگیر مقابله با مشکلات اجتماعی جوامع خود هستند، بیش از پیش نظرات ارائه شده توسط بهائیان را ارجح می‌نهند. این مشارکت از بینش‌های مندرج در آثار حضرت بهاءالله بهره‌مند است، مبتنی بر تجربیات بهائیان در سراسر جهان

می‌باشد، و هدفش ارتقای مباحثه و گفتگو و محافظت از خشونت و منازعاتی است که غالباً گفتمان‌های اجتماع را از پیشرفت بازمی‌دارد. بعلاوه ارائه نظرات و دیدگاه‌های بهائیان با تمسک آنان به مشورت تقویت می‌شود. با توجه خاصی که پیروان حضرت بهاء‌الله نسبت به اهمیت اتفاق و اتحاد و بی‌ثمر بودن اختلاف دارند، در صدد ایجاد شرایطی هستند که به نحو احسن باعث بروز وحدت در هر موقعیتی باشد. بسیار خرسندیم که می‌بینیم یاران عزیز الهی مجهودات خود را برای شرکت در گفتمان‌های اجتماعی توسعه می‌دهند، به خصوص احبایی که به خاطر موقعیت حرفه‌ای خود قادرند در گفتمان‌هایی که با صلح ارتباط مستقیم دارد شرکت کنند.

*

برای بهائیان حصول صلح صرفاً یک آرمان دلخواه یا هدفی مکمل دیگر مقاصدشان نیست بلکه همیشه برایشان هدفی اساسی بوده است. حضرت عبدالبهاء در دومین لوح خطاب به سازمان مرکزی صلح دائمی در لاهه چنین فرمودند: "صلح‌جویی ما منبعث از افکار نیست بلکه امریست اعتقادی دینی و از جمله اساس ابدیّه الهی." ایشان اظهار نمودند که برای برقراری صلح تنها آگاهی از مضرات وحشت‌انگیز جنگ کافی نیست، چنانچه می‌فرمایند:

امروز صلح عمومی در بین بشر فوایدش مسلم است و مضرات جنگ در نزد کل معلوم و محتوم ولی در این قضیه به دانستن کفایت نمی‌شود قوه تنفیذیه می‌خواهد تا در جمیع عالم جاری گردد. ... ما را اعتقاد چنین که قوه تنفیذیه در این امر عظیم نفوذ کلمه الله و تأییدات روح القدس است.

قطعاً هر فرد واقف به شرایط دنیا نمی‌تواند از بذل نهایت سعی خود در این "امر عظیم" امتناع ورزد و طلب آن "تأییدات" را ننماید، تأییداتی که ما نیز به نیابت از شما عزیزان در اعتاب مقدسه علیا صمیمانه آن را رجا می‌نماییم. یاران محبوب، مجهودات خالصانه شما و همکاران هم‌فکران در ساختن جوامعی استوار بر اصول روحانی، در پیاده کردن آن اصول برای بهبود اجتماع و در ارائه بینش‌های حاصله، مطمئن‌ترین طریقی است که می‌تواند تحقق وعده صلح جهانی را تسریع نماید.

[امضا: بیت العدل اعظم]